

آرایش واژگانی در جملات خبری گویش آتنی (ساروی) در چارچوب نظری بهینگی

مهین ناز میردهقان^{۱*} شیرین مهمانچیان ساروی^۲

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دریافت: ۸۹/۱۱/۲۳

پذیرش: ۹۰/۳/۲۳

چکیده

با توسعه دیدگاه‌های رده‌شناختی زبان، چارچوب بهینگی به عنوان فرانظریه‌ای بر دیگر نظریه‌ها مطرح شد. بر این اساس پژوهش حاضر در قالب حاکمیت و مرجع‌گزینی در چارچوب نظری بهینگی برای بررسی آرایش واژگانی جملات خبری گویش آتنی (از گویش‌های مازندرانی) به انجام رسیده است. هدف از این پژوهش شناخت و تحلیل گویش آتنی به عنوان یکی از گویش‌های ایرانی در معرض خطر است که با به‌کارگیری فرانظریه بهینگی در تعیین محدودیت‌های حاکم بر آرایش جملات خبری گویش و رتبه‌بندی آنان به انجام رسیده و با استفاده از تابلوها و نمودارها در چارچوب بهینگی ارائه شده است. در تحلیل بهینگی گویش، محدودیت‌های مورد استفاده به طور کلی در سه دسته، تقسیم‌بندی می‌شوند که عبارت‌اند از: محدودیت‌های انطباق (چپ‌هسته، چپ‌مشخص‌گر، چپ‌متمم)، محدودیت عناصر اجباری (هسته اجباری، مشخص‌گر اجباری) و محدودیت‌های ساختاری (به اقتباس از: Kuhn, 2003: مشتمل بر محدودیت وفاداری (خوانش کامل، تجزیه) و محدودیت نشاننداری (عامل مشخص‌گر، عدم حرکت واژگانی، اقامت، فاعل، مبتدا انداز). نتایج پژوهش با تأیید مفهوم وحدت در تنوع در انگاره‌های آرایش واژگانی ساخت‌های خبری گویش آتنی، وجود تنوعات میان‌زبانی را حاصل رتبه‌بندی متفاوت آنان به شمار آورده و جهان‌شمولی نظریه بهینگی را در ارتباط با تعداد ثابت تخطی‌ها از محدودیت‌های انطباق تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: فرانظریه بهینگی، آرایش واژه، وحدت در تنوع، جمله ساده خبری، محدودیت انطباق.

Email: M_Mirdehghan@sbu.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: تهران، بزرگراه شهید چمران، خیابان تابناک، میدان اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان‌شناسی، کدپستی: ۱۹۸۳۹۶۳۱۱۳.



۱. مقدمه

زبان مازندرانی از زبان‌های شمال غربی ایران است که امروزه در حاشیه باریک میان کوه‌های البرز و کناره‌های جنوبی دریای خزر و شرق گیلان به کار می‌رود این زبان از سه گویش/استاندارد/شرقی (ساروی که در ساری، مرکز استان مازندران بدان تکلم می‌شود)، مرکزی و غربی برخوردار است (و ثوقی، ۱۳۷۱؛ شکری، ۱۳۷۴؛ به نقل از Shahidi, 2008: 23).^(۱) آنتی نیز گویشی از زیرمجموعه‌های کوهپایه‌ای ساروی است که به دلیل مهاجرت ساکنین آن به دیگر مناطق، به‌ویژه شهرستان ساری و ترکیب گویش‌ها در حال تغییر و زوال است.^(۲) با توجه به لزوم ثبت و تحلیل زبان‌شناختی گویش‌های زبانی در حال انقراض، موضوع پژوهش حاضر تحلیل زبان‌شناختی آرایش واژگانی گویش آنتی بر مبنای جایگاه نسبی فعل، فاعل و مفعول است که توصیف زبان‌ها بر این مبنای به دنبال تحقیقات گرینبرگ^۱ (۱۹۹۶) بسیار مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است.^(۳)

چارچوب نظری مورد استفاده در تحلیل زبانی حاضر بهیگی^۲ است که با تأکید بر توصیف‌های صوری بر پایه مطالعات رده‌شناختی از درون دستور زایشی جوانه زده است. بهیگی به دستور جهانی به عنوان مجموعه‌ای از محدودیت‌ها می‌نگرد که می‌تواند مورد تخطی قرار گیرد و تفاوت میان تنوعات زبانی را با بهره‌گیری از رتبه‌بندی محدودیت‌های مشابه توجیه می‌کند و از این طریق به مفهوم «وحدت در تنوع»^۳ دست می‌یابد.^(۴) با توجه به محدود نبودن نظریه بهیگی به هیچ‌یک از گونه‌های خاص اصول ساختاری، تحلیل‌های الهام‌گرفته از نظریه‌های مختلف نحوی از جمله حاکمیت و مرجع‌گزینی^۴، دستور واژگانی و برنامه کمینه‌گرا را در قالب بهیگی به کار بسته و از این‌رو نظریه بهیگی را «فرانظریه»^۵ به شمار آورده‌اند (میردهقان، ۱۳۸۷: ۵۵).

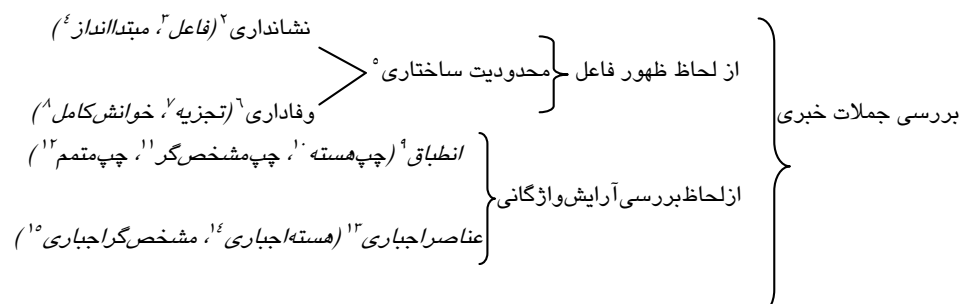
فرایند وحدت در تنوع از عمده پیش‌بینی‌های بهیگی است که در حوزه‌های مختلف زبانی دیده می‌شود. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی فرایند مورد پیش‌بینی بالا در نظریه بهیگی، در حوزه نحوی به بررسی آرایش واژگانی در جملات خبری می‌پردازد. دو پرسش عمده پژوهش عبارت‌اند از:

(۱) آرایش جمله‌های خبری و محدودیت‌های حاکم بر آن و رتبه‌بندی آن‌ها چگونه است؟

1. Greenberg
2. optimality theory
3. unity in variety
4. government and binding theory
5. meta theory

۲) چگونه می‌توان با استفاده از محدودیت‌های موجود در چارچوب بهیگی ظهور و عدم‌ظهور فاعل را در جملات خبری گویش آنتی توجیه کرد؟

در این خصوص بررسی محدودیت‌های حاکم بر آرایش جملات خبری گویش و رتبه‌بندی آنان با استفاده از محدودیت‌های/انطباق و عناصر/جباری مورد استفاده گریمشا^۱ (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۱) انجام شده^(۵) و در ادامه به منظور توجیه ساختاری ظهور و عدم‌ظهور فاعل در این فراکنی‌ها از محدودیت‌های ساختاری وفاداری و نشاننداری مورد استفاده کوهن (۲۰۰۳) استفاده شده است. علاوه بر این، بر اساس گریمشا (۲۰۰۱)، جهان‌شمولی نظریه بهیگی تنها محدود به رتبه‌بندی محدودیت‌ها نیست و شامل تعداد تخطی از محدودیت‌های انطباق نیز می‌شود. این نکته نیز به عنوان پرسش سوم تحقیق و در بررسی تعداد تخطی‌های صورت‌گرفته از محدودیت‌های انطباق در جملات خبری گویش، مورد بررسی قرار گرفته است. مجموعه محدودیت‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر در تقسیم‌بندی زیر نشان داده شده‌اند:



روش انجام تحقیق توصیفی-تحلیلی است و از شیوه‌های کتابخانه‌ای و میدانی برای

1. Jane Grimshaw
2. markedness constraints
3. subject
4. drop-topic
5. structural constraints
6. faithfulness constraint
7. parse
8. full Interpretation
9. alignment constraint
10. Head- left
11. specifier left
12. complement left
13. obligatory element
14. obligatory head
15. obligatory specifier

گردآوری داده‌ها استفاده شده است که شامل توصیف نظری همراه با پرسشنامه^(۶) و مصاحبه با گویشوران و استفاده از شَمّ زبانی به منظور تهیه پیکره لازم در تحلیل فرضیات پژوهش است^(۷). جامعه مورد استفاده در پژوهش حاضر تنها ساکنین باقیمانده گویش در منطقه آتنی مشتمل بر ۵ فرد (گروه‌های سنی مسن (پیر) و جوان) را دربر می‌گیرد که شامل ۱ پیرمرد، یک پیرزن، دو دختر و یک پسر جوان است، که مجموعه‌ای گویشی مشتمل بر ۹۳ نمونه مربوط به جملات خبری ساده (با توجه به حضور یا عدم حضور فاعل و افعال مختلف موجود در آن) از آن گردآوری و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. به طور کلی با استفاده از ۱۰ تابلو^۱ (با احتساب تقسیم‌بندی سه‌گانه در آنان، مجموعاً ۳۰ عدد)، ۱۰ مثال، ۶ طرحواره و ۴ نمودار در تحلیل گویشی در چارچوب بهینگی ارائه شده است^(۸). در پژوهش حاضر به دلیل عدم وجود خط نگارشی مختص گویش مذکور و همچنین به منظور سهولت خوانش نمونه‌ها، از خط آوانگار بین‌المللی استفاده می‌شود. همچنین برای خوانش همه نمونه‌ها در تمامی نمودارها و تابلوها از چپ به راست است. نکته مهم این است که با وجود مطالعات قابل ملاحظه درباره زبان/ گویش مازندرانی^(۹) و تا حدودی گویش ساروی^(۱۰)، بیشتر تحقیقات صورت گرفته چارچوبی علمی و منسجم ندارند و توصیفات به انجام رسیده معمولاً مطالعاتی جامعه‌شناختی، وراثتی و یا فرهنگ‌های لغت هستند. در این مجموعه نحو زبان مازندرانی و گویش ساروی مورد توجه واقع نشده و گویش آتنی نیز فاقد پیشینه تحقیقی در حوزه‌های مختلف زبانی است. همچنین شایان توجه است که در بسیاری از پژوهش‌های مزبور، گویش جلگه به عنوان تنها پایه و مبنای گردآوری پژوهش در نظر گرفته شده؛ در حالی که با حفظ ویژگی‌های گویشی، گویش نواحی کوهستانی از اهمیت بیشتری در ثبت گویشی برخوردار است. بر این اساس پژوهش حاضر با توجه به اهمیت انجام بررسی‌های زبان‌شناختی بر گویش‌های در حال نابودی، به بررسی رده‌شناختی آرایش‌واژه در گویش آتنی در چارچوب فرانظریه بهینگی و در قالب حاکمیت و مرجع‌گزینی اختصاص یافته است که به نوبه خود در بررسی‌های گویشی، نوآوری تحقیقی به شمار می‌آید.

۲. جملات خبری

جمله‌های خبری ساده‌ترین شکل جملات تلقی می‌شوند و در تمامی زبان‌ها از آرایش بنیادین

1. Tableau

آن زبان برای تولید این‌گونه جمله‌ها استفاده می‌شود. در این پژوهش نیز تلاش بر آن است تا آرایش بنیادین جملات گویش آتتی، بر اساس تحلیل این‌گونه جملات، در چارچوب بهینگی و با استفاده از محدودیت‌های جهانی مطرح در این حوزه ارائه شود. منظور از جملات خبری در اینجا، جملات خبری مثبت ساده هستند و هدف از این‌گونه جملات ساختارهایی است که متشکل از فعل و موضوعات آن، یعنی فاعل (موضوع بیرونی و مشخص‌گر گروه تصریف) و مفعول (موضوع درونی) است.

در ارائه روند پژوهش در تحقیق حاضر و به منظور نمایش «مفهوم وحدت در تنوع» در چارچوب به‌کار گرفته شده، به‌طور ویژه از مجموعه محدودیت‌های جهانی مورد استفاده گریم‌شا در تحلیل جملات خبری استفاده شده است. در تحلیل‌های گریم‌شا و در توجیه آرایش واژگانی موجود در جملات و گروه‌های زبانی محدودیت‌های چپ‌هسته، چپ‌مشخص‌گر، چپ‌متمم، هسته اجباری و مشخص‌گرا اجباری مبنا بوده است (گریم‌شا، ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۱؛ ۲۰۰۲). سه محدودیت اول محدودیت‌های انطباق هستند که رتبه‌بندی آن‌ها آرایش عناصر موجود در فرافکنی را توجیه می‌کند. دو محدودیت دوم محدودیت عناصر اجباری نامیده می‌شوند که به حضور عناصر خاصی در جمله وابسته است؛ هسته و مشخص‌گر. دسته دیگری از محدودیت‌ها نیز وجود دارند که رتبه‌بندی آن‌ها (مطابق با گریم‌شا و سامک‌لودویک (۱۹۹۸)، لژندر (۲۰۰۱) و همچنین کوهن (۲۰۰۳)) می‌تواند حضور یا عدم‌حضور فاعل و حضور یا عدم‌حضور عنصر زائد را در جملات خبری توجیه کند، و چهار محدودیت ساختاری فاعل، مبتدأانداز (محدودیت‌های نشاننداری)، خوانش‌کامل و تجزیه (محدودیت‌های وفاداری) را شامل می‌شود.

تحلیل انواع جملات خبری در پژوهش حاضر محدود به جملات خبری با انواع فعل‌های آن، مشتمل بر فعل متعدی و فعل لازم است، که هریک از آنان از لحاظ حضور یا عدم‌حضور فاعل اجباری نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در تمامی مثال‌های گویشی ارائه شده جایگاه هسته گروه تصریف توسط عامل زمان و مطابقه (اگر چه به صورت غیربارز) پر می‌شود.

۲-۱. انواع جملات خبری ساده بر اساس ظهور یا عدم ظهور فاعل

۲-۱-۱. حضور اجباری فاعل

در چپ‌نش محدودیت‌های مربوط به حضور اجباری فاعل از آنجا که در گویش حاضر ظهور

فاعل «تجزیه خوانش کامل» مبتدأ انداز

مثال (۱)

«علی بچہ را کتک زد».

مبتدا الاز	خونش	کامل	تجزیه	فاعل	(گذشته = زمان, x=ali, y= vače re, bazo (x,y) درونداد
		*	!	vače re bazo	الف)
*				ali vače re bazo	ب) ۛ

تابلو ۱ رتبه‌بندی محدودیت‌های ساختاری در فراکنی‌های دارای فاعل اجباری

در تابلوی بالا با مقایسه گزینه الف و ب درمی‌یابیم که هر دو مرتکب تخطی‌هایی از محدودیت‌های موجود بر فرافکنی شده‌اند، با این حال، گزینه ب به عنوان گزینه دستوری و بهینه در نظام آنتی انتخاب می‌شود، زیرا در این گزینه محدودیت‌های فرامرتبه‌تر بهتر اقناع می‌شود و تنها از محدودیت فرومرتبه مبتدا/ند/ز برای اقناع محدودیت فرامرتبه‌تری به نام *فاعل*، تخطی شده است. با اینکه در گزینه الف نیز دو تخطی، محدودیت روی داده است، اما

این تخطی به عنوان تخطی مهلك به شمار آمده است، زیرا این گزینه با اقتناع محدودیت فرومرتب‌تر مبتدا/نداز از محدودیت‌های فرامرتبه‌تری همچون *فاعل* و تجزیه تخطی کرده است. گزینه الف، به حذف فاعل غیرضمیری اقدام کرده است که مطابق با شمّ زبانی گویشوران این گویش منجر به جملاتی غیردستوری می‌شود. با این اقدام گزینه الف مرتکب تخطی مهلكی از محدودیت *فاعل* می‌شود. حذف فاعل از جمله در گزینه الف منجر به تخطی از محدودیت تجزیه نیز می‌شود که نشان‌دهنده عدم وفاداری برونداد به درونداد است، زیرا در آن اقدام به حذف عنصری از روساخت شده که در زیرساخت حضور داشته، و آن عنصر فاعل جمله بوده است. پس در این صورت گزینه ب با تعداد تخطی کمتر و همچنین بدون ارتکاب به تخطی مهلك، گزینه بهینه به شمار می‌آید.

۲-۱-۲. فاعل تهی‌آوا^۱

مطابق با اصل فرافکنی گسترده چامسکی (۱۹۸۱) ظهور فاعل در یک فرافکنی اجباری است، اما این مسئله در نظریه بهینگی به صورت محدودیتی قابل تخطی مطرح می‌شود، زیرا زبان‌ها و گویش‌های بسیاری وجود دارند که حضور فاعل / مشخص‌گر در آنان اجباری نیست و در مواردی حتی حضورشان موجب کمتر دستوری شدن جمله و یا حتی غیردستوری شدن آن می‌شود.

در برخی زبان‌ها ضمیر فاعلی موجود در زیرساخت (درونداد) از برونداد حذف می‌شود و در این حال از محدودیت *ساختاری تجزیه* که ضامن وفاداری برونداد به درونداد خود است، تخطی می‌شود؛ از این‌رو به این دسته از زبان‌ها زبان‌های ضمیرانداز می‌گویند. گویش آتنی نیز از تنوعات ضمیرانداز بوده که حضور هرگونه فاعل / مشخص‌گر / مبتدای ضمیری را بنابر شمّ زبانی گویشوران جریمه می‌کند؛ لذا در تحلیل این دسته از جملات از محدودیت‌های مبتدا/نداز و تجزیه نیز استفاده می‌شود. به دلیل ویژگی ضمیراندازی در گویش موردبررسی، رتبه‌بندی آن‌ها به این صورت خواهد بود که محدودیت مبتدا/نداز بر محدودیت تجزیه اشراف دارد، از این‌رو حذف ضمیر فاعلی در بروندادهای این تنوع توجیه‌پذیر می‌شود. بنابر نظر کوهن دو محدودیت *فاعل* و *خوانش‌کامل* در این مقایسه نقش خاصی را ایفا نمی‌کنند با این وجود در

1. pro



ارائه تابلوهای مربوط به این حوزه از آن‌ها استفاده می‌شود (کوهن، ۲۰۰۳: ۳۷).

مثال ۲:

âvâz baxondesse
آواز خواند

«آواز خواند».

فاعل	خوانش کامل	مبتدا/نداز	مبتدا/نداز	درونداد (âvâz baxondesse (x), x= topic, x= ve)
*		*		âvâz baxondesse
		!*		ve âvâz baxondesse

تابلو ۲ عناصر تهی در آنتی

با توجه به تابلوی ۲ در مقایسه گزینه الف و ب، گزینه الف به عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود زیرا از آنجا که در گویش موردنظر محدودیت مبتدا/نداز از محدودیت تجزیه فرامرتبه‌تر است، لذا اقناع آن اولویت بیشتری دارد. پس آن محدودیت ساختاری که در گویش آنتی اولویت می‌یابد، محدودیت مبتدا/نداز است که در جایگاهی فرامرتبه‌تر از محدودیت تجزیه قرار می‌گیرد. رتبه‌بندی این دو محدودیت نسبت به هم در تعیین و تحلیل ضمیرانداز بودن یا نبودن یک نظام زبانی بسیار مهم است. در هر صورت در گویش مذکور با حضور مبتدا/نداز در جایگاه نخست سلسله‌مراتب رتبه‌بندی محدودیت‌های ساختاری، محدودیت وفاداری تجزیه نیز به نوعی مورد تخطی واقع می‌شود، زیرا عنصری که در درونداد جمله حضور داشته بنا به دلایل زبان موردی در برونداد حذف شده است. البته همان‌گونه که در گزینه الف تابلوی بالا نشان داده شده، این تخطی به بهای اقناع محدودیتی فرامرتبه‌تر، یعنی محدودیت مبتدا/نداز صورت پذیرفته است. با حذف مشخص‌گر/ فاعل/ مبتدا از جمله، در این‌گونه زبان‌ها، محدودیت فاعل نیز به‌خودی‌خود مورد تخطی واقع می‌شود؛ با این حال، تمامی تخطی‌های مزبور قابل‌جبران هستند، زیرا در جهت اقناع محدودیتی فرامرتبه‌تر صورت پذیرفته‌اند. با این توضیحات می‌توان رتبه‌بندی محدودیت‌های موجود بر این‌گونه ساختارها را در گویش آنتی به صورت زیر نشان داد:

طرحواره ۲

مبتدائانداز « تجزیه » خوانش کامل « فاعل

۲-۲. بررسی جمله خبری با افعال مختلف

۲-۲-۱. جملات خبری با فعل متعدی^(۱۲)

مطابق با مشکوه‌الدینی گروه فعلی متعدی، به صورت گروه اسمی به علاوه فعل ظاهر می‌شود (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۹: ۱۰۹). در این‌گونه موارد، درونداد فعلی یک فرافکنی دارای یک هسته (فعل) و موضوعاتی به عنوان مشخص‌گر و متمم است. با این توضیح، فعل متعدی از افعالی است که در ساختار خود به یک موضوع بیرونی (به عنوان مشخص‌گر، بنابر گریم‌شا ۲۰۰۱) و یک موضوع درونی (به عنوان مفعول/ متمم) نیازمند است. البته حضور مشخص‌گر در برونداد این‌گونه از افعال در گویش موردبررسی و همچنین در فارسی منوط به نوع فاعل است؛ یعنی اگر فاعل ضمیری باشد می‌تواند از برونداد حذف شود، در غیر این‌صورت ظهور فاعل در جمله اجباری است و عدم ظهور آن موجب غیردستوری شدن جمله می‌شود.

در ادامه یادآوری می‌کنیم که با توجه به نظر گریم‌شا، هر گروه دستوری دارای یک هسته، یک مشخص‌گر و یک متمم، در هر زبانی باید از محدودیت/انطباق تخطی کند (گریم‌شا، ۲۰۰۱: ۷). در حالی که توزیع دقیق محدودیت‌های/انطباق به رتبه‌بندی این محدودیت‌ها بستگی دارد، وجود تخطی از این محدودیت‌ها، مستقل از رتبه‌بندی است و این پایه مباحث گریم‌شا (۱۹۹۷: ۲۰۰۱) است که می‌تواند موضوع «وحدت در عین تنوع» را به ذهن متبادر کند. در این‌گونه ساختارها از آنجاکه یکی از عناصر می‌تواند در کنار چپ فرافکنی قرار گیرد، دو محدودیت از سه محدودیت/انطباق باید در هر گزینه‌ای مورد تخطی واقع شوند. علاوه بر این، از آنجاکه یکی از سه عنصر توسط دو عنصر دیگر از کنار چپ فرافکنی جدا می‌شود، پس راست-ترین عنصر ضرورتاً مرتکب دو تخطی از محدودیت‌های/انطباقی که بر جایگاه آن حاکمیت دارد، می‌شود؛ بنابراین سه تخطی در چنین فرافکنی صورت گرفته است و وجود این سه تخطی/انطباق برای هر گزینه بهینه‌ای و در هر دستوری/رتبه‌بندی محدودیتی غیرقابل تغییر است. تنوع زبان‌های مختلف تنها در این است که کدام یک از سه محدودیت و چند بار مورد تخطی واقع شده‌اند. حال به نمونه‌ها و تابلوهای زیر که به منظور درک بهتر مطالب ارائه شده است، توجه کنید:



۱-۲-۲-۱ جمله خبری / فعل متعدی / فاعل اجباری

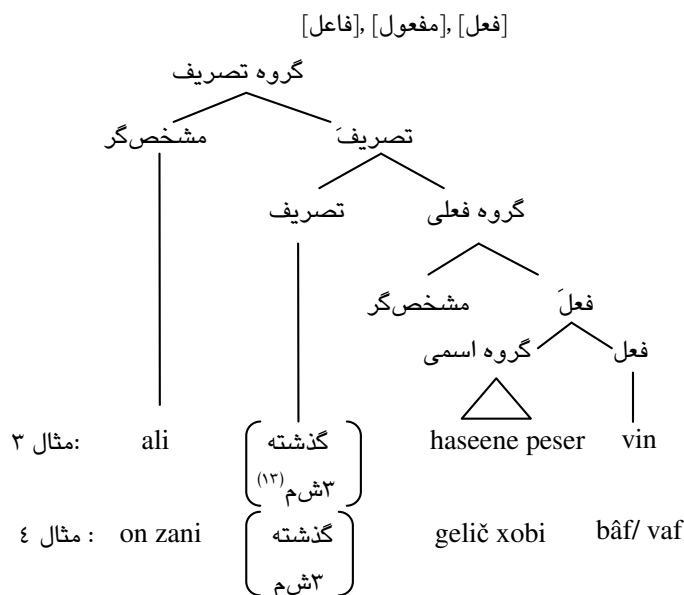
مثال ۳:

ali hasen e peser re badiye
علی پسرِ حسن را دید

«علی پسرِ حسن را دید».

طرحواره ۳:

هسته، متمم، مشخص گر → گروه تصریف



نمودار ۱

تذکر: در تابلوهای ارائه شده در ذیل و در بررسی درونداهای یکسان و بر مبنای مثال‌های ارائه شده، تابلوی الف به بررسی آرایش واژگانی بهینه، تابلوی ب به محدودیت‌های عناصر اجباری، و تابلوی ج به بررسی ساختاری حضور و عدم حضور فاعل اختصاص دارد. همچنین برای درک بهتر و بیشتر نمونه‌ها برای یک نمونه از هر بخش نموداری بر مبنای نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی ترسیم شده و نمونه‌های متناظر در ذیل آن آورده شده است. شایان ذکر است که، گرچه گریم‌شا در نمایاندن اقناع یا تخطی از محدودیت عناصر اجباری به ارائه تابلوی مجزا

نپرداخته و تنها در شمارش تعداد تخطی‌ها در تابلویی همراه با محدودیت‌های انطباق به آنان پرداخته است، در تحلیل حاضر به منظور روشن‌تر کردن تحلیل‌های ارائه‌شده، تابلویی مجزا (تابلوهای ب) برای این محدودیت‌ها ترسیم می‌کنیم (گرم‌شا (۱۹۹۷: ۲۰۰۱).

تابلو ۳

پیش‌هسته	پیش‌متن	پیش‌صفت	(گذشته = زمان، $x = \text{ali}$, $y = \text{hasen ye peser re}$, $\text{badiye}(x,y)$: درونداد)	
*	!		[ali ^(۱۴) ف [badiye [hasen-e peser re]]]	الف)
*	*		[badiye] ف [hasene peser re] ف [ali ^(۱۶) گت]	ب) ۳
	*	!	[badiye [hasene peser re [ali]]] ف	ج)
*		!	[badiye [ali]] ف [hasene peser re] گت	د)

۳ الف بررسی آرایش واژگانی بهینه

در گزینه بهینه در سیستم مورد مطالعه، محدودیت چپ‌مشخص‌گر به بهای تخطی از چپ‌متن و چپ‌هسته اقتناع می‌شود، پس در این صورت محدودیت چپ‌مشخص‌گر بر چپ‌هسته اشراف دارد و در این راستا گزینه ج و د به دلیل تخطی از این محدودیت فرامرته از میان کاندیداهای بهینه حذف می‌شوند. با مقایسه گزینه الف و ب درمی‌یابیم که با اشراف محدودیت چپ‌متن بر چپ‌هسته، گزینه ب به عنوان برنده واقعی در این تنوع انتخاب می‌شود. همان‌گونه که در تابلوی ۳ الف می‌بینیم، در نظام مورد تحلیل و در این‌گونه فراقنی‌ها، گزینه بهینه مرتکب تخطی کمتری از محدودیت چپ‌متن می‌شود و مهم‌تر اینکه مرتکب هیچ‌گونه تخطی از محدودیت چپ‌مشخص‌گر نمی‌شود. اما به این دلیل که گویش آنتی یک تنوع راست‌هسته است، تا حد نهایت از محدودیت چپ‌هسته تخطی می‌کند. در تابلوی ۳ ب به بررسی وضعیت محدودیت عناصر/جباری در گزینه بهینه آنتی می‌پردازیم.



مشخص گرا جباری	هسته اجباری	(گذشته=زمان, badiye (x,y), x=ali, y= hasene peser re: درونداد
		الف) [badiye]] [hasen peser re [ali]]

۳ ب بررسی وضعیت محدودیت عناصر اجباری در گزینه بهینه آنتی

در گویش آنتی در انواع جملات، فاعل/ مشخص گر (در صورت ضمیری بودن و یا عدم حضور در درونداد) می تواند در جمله محذوف باشد، اما فعل/ هسته به هیچ وجه نمی تواند در درونداد حضور نداشته باشد؛ زیرا، در صورت عدم حضور، فرافکنی تصریف (جمله) شکل نخواهد گرفت. از این رو در تمامی تابلوهای ترسیم شده برای این گویش، محدودیت هسته اجباری مقدم بر مشخص گرا اجباری است. در گزینه بهینه فرافکنی های متعدی با فاعل اجباری که در تابلوی ۳ آورده شده، می بینیم که هر دو محدودیت عناصر اجباری اقناع می شود، زیرا فاعل/ مشخص گر و فعل/ هسته در جمله حاضر هستند، لذا شاهد هیچ گونه تخطی نیستیم. اما در تابلوی ۳ ج جمله خبری از لحاظ ساختاری مورد بررسی قرار می گیرد و حضور اجباری فاعل در فرافکنی های خبری متعدی توجیه می شود:

مبتدا انداز	واژه کل	واژه	رابطه	(گذشته=زمان, badiye (x,y), x=ali, y= hasene peser re: درونداد
		*	!*	hasene peser re badiye
	*			ali hasene peser re badiye

۳ ج بررسی ساختاری حضور اجباری فاعل در فرافکنی های خبری متعدی

با توجه به توضیحات چگونگی چینش محدودیت های مربوط به حضور اجباری فاعل (۱،۲،۳)، و به دلیل اولویت محدودیت نشاننداری فاعل بر دیگر محدودیت ها، در تابلوی ۳ ج گزینه ای بهینه خواهد بود که محدودیت مذکور را اقناع کند. در این صورت گزینه الف از صحنه رقابت حذف می شود و تنها

گزینه ب باقی مانده و به عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود. البته باید توجه کنیم که گزینه مزبور نیز مرتکب تخطی از محدودیت مبتدانداز می‌شود، اما به دلیل فرومرتب بودن آن محدودیت در رتبه‌بندی موجود در نظام مورد بررسی، این تخطی منجر به ساختاری غیردستوری نمی‌شود. توضیحات بالا در خصوص دیگر نمونه‌های مشابه نیز صادق است که در اینجا با توجه به محدودیت ابعاد مقاله به ذکر یک مثال دیگر، مثال ۴، اکتفا و از تکرار توضیحات نیز خودداری شده است.

مثال ۴:

on zani gelič xobi vefene
آن زن گلیم خوبی می‌بافد

«آن زن گلیم خوبی می‌بافد».

تابلو ۴: آرایش جمله خبری / فعل متعدی / فاعل اجباری در آتنی

چپ هسته	چپ فاعل	چپ مشخص‌گر	(حال=زمان, dānne (x,y), x= on zani, y= gelič xobi, درونداد	
*	!		[on zani ف [vefene [gelič xobi]]]	الف)
**	*		[on zani ف [gelič xobi ف [vefene]]]	ب) ۴
	*	!	[vefene [gelič xobi [on zani]]]	ج)
*		!	[gelič xobi ف [vefene [on zani]]]	د)

۴ الف بررسی آرایش واژگانی بهینه

مشخص‌گر اجباری	هسته اجباری	(حال=زمان, dānne (x, y), x= on zani, y= gelič xobi, درونداد	
		[on zani ف [vefene]] [gelič xobi]	الف) ۴

۴ ب بررسی وضعیت محدودیت عناصر اجباری در گزینه بهینه آتنی



مبتدا انداز	فراقت کامل	فعل	فعل	(حال=زمان :dânne(x,y), x=on zani, y= gelič xobi درونداد)
		*	!	gelič xobi vefene
*				on zani gelič xobi vefene

۴ ج بررسی ساختاری ظهور اجباری فاعل در فرافکنی های خبری متعدی

۲-۲-۱-۲. جمله خبری/ فعل متعدی/ فاعل محذوف (فاعل تهی آوا)

مثال ۵:

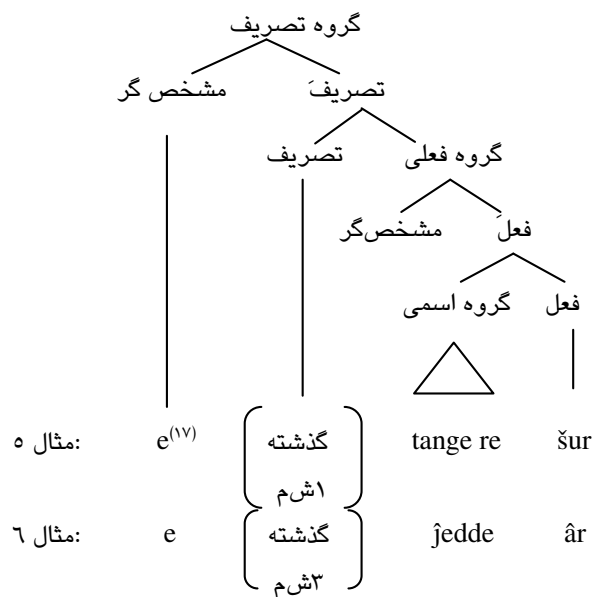
tange re

bašuertme

کوچه را

شستم/ تمیز کردم

«(من) کوچه را آبپاشی کردم».



نمودار ۲

با توجه به مثال ۵ و نمودار ۲ درمی‌یابیم که عنصر مشخص‌گر در فرافکنی‌های این دسته از افعال متعدی غایب است. لذا این فرافکنی‌ها در ساخت‌های برون‌دادی خود تنها دو عنصر متمم و هسته دارند و فاعل/ مشخص‌گر به صورت بارز در آن‌ها دیده نمی‌شود و در درون‌داد آن‌ها وجود دارد. بنابر گریمشا منطقاً در فرافکنی‌های دارای ۲ عنصر، همیشه یک عنصر از محدودیت/ انطباق تخطی می‌کند (گریمشا، ۲۰۰۱: ۸). وقتی گروهی شامل دو عنصر باشد، یکی از آن‌ها همیشه مورد تخطی واقع می‌شود، زیرا غیرممکن است که هر دو عنصر در کنار چپ‌فرافکنی خود قرار گیرند. نمونه‌های مربوط به افعال متعدی بدون فاعل بارز در گویش آنتی شاهدهی از موارد فرافکنی یک هسته و یک متمم است. به نظر گریمشا (همان) گزینه بهینه در فرافکنی‌های دارای یک هسته و یک متمم دقیقاً از یک محدودیت/ انطباق تخطی می‌کنند؛ یا چپ‌متمم، یا چپ‌هسته. گریمشا (همان: ۹) با توجه به بررسی‌های انجام شده، نتیجه را این‌گونه بیان می‌کند که برای هر دستوری (تحت هر رتبه‌بندی و هر آرایش برون‌دادی)، در هر فرافکنی واحد دو عنصر، یک تخطی از محدودیت/ انطباق دیده می‌شود؛ لذا در تابلوی ۵ الف به بررسی میزان تخطی از محدودیت‌های انطباق و نحوه آرایش این دسته از محدودیت‌ها در گویش مورد بررسی در فرافکنی‌های متعدی بدون ظهور فاعل می‌پردازیم.

تابلو ۵

متمم	هسته	مشخص‌گر	(گذشته=زمان (bašuertme (x,y), x=e, y= tange re): درون‌داد	
*	!	*	[e] ف [bašuertme [tange re]]	الف)
**	*	*	[e] ف [tange re] ف [bašuertme]]	ب) ۵

۵ الف بررسی آرایش واژگانی بهینه

با مقایسه تابلوی ۵ الف با تابلوی ۳ الف که در بخش قبلی برای جملات خبری دارای فاعل اجباری ترسیم شده است، درمی‌یابیم که انواع دارای فاعل و انواع دارای ویژگی



ضمیراندازی، دارای گزینه‌ها و حتی رتبه‌بندی محدودیتی مشابهی برای محدودیت‌های انطباق هستند. پس گزینه بهینه در اینجا همانند گزینه‌های دارای فاعل اجباری، آن گزینه‌ای خواهد بود که مرتکب هیچ‌گونه تخطی‌ای از محدودیت چپ‌مشخص‌گر نشود، اما به دلیل عدم‌حضور مشخص‌گر در این فرافکنی‌ها این محدودیت به صورت تهی اقناع می‌شود. از آنجاکه متمم به دلیل عدم‌حضور مشخص‌گر در این‌گونه فرافکنی‌ها با مانعی در رسیدن به کناره چپ‌فرافکنی مواجه نیست، لذا گزینه بهینه محدودیت چپ‌متمم را اقناع می‌کند و به دلیل راست‌هسته بودن آتئی نهایت تخطی از محدودیت چپ‌هسته صورت می‌پذیرد. از آنجاکه تنها یک مانع در رسیدن این عنصر به کناره چپ فرافکنی وجود دارد، یک تخطی از محدودیت چپ‌هسته صورت می‌پذیرد. با این توضیحات در این‌گونه موارد که فرافکنی شامل دو عنصر است مطابق با نظر گریمشا یک تخطی از محدودیت انطباق صورت می‌پذیرد (گریمشا، ۲۰۰۱: ۸). در این قسمت نیز همانند بخش قبل تمامی گزینه‌های رقیب جهانی بوده و بر اساس گزینه‌های پیشنهادی گریمشا (۲۰۰۱) برای فرافکنی‌های دارای دو عنصر هسته و متمم ارائه شده است. در تابلوی ۵ ب به بررسی نحوه حضور عناصر اجباری در فرافکنی بهینه می‌پردازیم.

گرایاری	هسته اجباری	گرایاری مشخص
(گذشته=زمان, $y = \tan^{-1} x$, $x = e$, $y = \tan^{-1} x$): درونداد		
الف) (ف)	$[[[\tan^{-1} x] \text{ ف } e] \text{ گت}]$	*

۵ ب بررسی وضعیت محدودیت عناصر اجباری در گزینه بهینه آتئی

در تابلوی ۵ ب مربوط به عناصر اجباری برای نمونه‌های دارای ویژگی ضمیراندازی، می‌بینیم که گزینه بهینه دارای یک تخطی از محدودیت مشخص‌گر اجباری است، اما به این دلیل که در آتئی این محدودیت فرومرتب‌تر از هسته اجباری است تخطی از آن مهلک نیست. در مقایسه این تابلو با تابلوی ۳ ب درمی‌یابیم که در نمونه‌های بهینه دارای فاعل بارز و اجباری برخلاف نمونه‌های دارای فاعل محذوف (فاعل تهی‌آوا)، هیچ‌گونه تخطی از محدودیت مشخص‌گر اجباری روی نداده است، لذا این دو گونه از جملات در ارتباط با میزان تخطی از

محدودیت‌های عناصر/جباری با هم متفاوت هستند، یعنی در جملات دارای فاعل/مشخص‌گر بارز در تابلوی ۳ ب هیچ‌گونه تخطی از محدودیت عناصر/جباری روی نمی‌دهد؛ در حالی که در تابلوی ۵ ب به دلیل عدم‌ظهور فاعل/مشخص‌گر در برون‌داد از محدودیت مشخص‌گر/جباری تخطی می‌شود. در تابلوی ۵ ج نیز به توجیه عدم‌ظهور فاعل در این دسته از فراکنی‌ها و همچنین چگونگی رتبه‌بندی محدودیت‌های ساختاری مربوط به این حوزه می‌پردازیم.

فاعل	مبتدا	مبتدا انداز	مبتدا انداز	(گذشته=زمان (bašuertme (x,y), x=e, y= tange re, درون‌داد
*		*		tange re bašuertme
		!*		men tange re bašuertme

۵ ج بررسی ساختاری عدم‌ظهور فاعل در فراکنی‌های خبری متعدی

رتبه‌بندی محدودیت‌های موجود در تابلوی ۵ ج و دیگر تابلوهای ج موجود در این بخش (موارد ۶) نشان می‌دهد که در نمونه‌های دارای فاعل ضمیری در آنتی، بهتر است فاعل از جمله محذوف باشد و به عبارتی به صورت بارز در جمله ظهور نداشته باشد. در گزینه‌های بالا که مطابق با کوهن (۲۰۰۳: ۳۷) ارائه شده است، رقابت اصلی میان دو محدودیت مبتدا/انداز و تجزیه تصور می‌شود و با توجه به ویژگی ضمیراندازی گویش، محدودیت مبتدا/انداز فرامرتبه‌تر از محدودیت‌های دیگر قرار گرفته است؛ در نتیجه ظهور هرگونه عنصری به‌عنوان مبتدا/فاعل/موضوع به‌صورت بارز در جمله موجب غیردستوری شدن جمله می‌شود. با این توصیف گزینه ب از صحنه رقابت حذف می‌شود. در گزینه الف که به عنوان گزینه بهینه آنتی انتخاب شده است نیز به دلیل عدم‌ظهور فاعل درون‌دای در برون‌داد مورد بررسی از محدودیت وفاداری تجزیه تخطی شده است و از آنجا که فاعل به‌صورت بارز در برون‌داد ظهور ندارد در این حالت از محدودیت نشاننداری فاعل نیز تخطی می‌شود؛ اما از آنجا که تمامی این تخطی‌ها در حمایت از محدودیت فرامرتبه‌تر مبتدا/انداز صورت پذیرفته، قابل جبران است و تخطی مهلک به‌شمار نمی‌آیند. با توجه به توضیحات ارائه‌شده و به‌منظور تأیید آن‌ها، به نمونه‌ای دیگر از آنتی توجه کنید:



مثال ۶

îedde biyârde
یوغ را آورد

«(او) یوغ را آورد».

تابلو ۶ آرایش جمله خبری/ فعل متعدی/ فاعل محذوف (فاعل تهی آوا)

چپ هسته	چپ متمم	چپ مشخص گر	(گذشته=زمان, x=e, y= îedde, biyârde ((x,y): درونداد	
	!		[e ف [biyârde [îedde]]]	الف)
*			[e کت [îedde ف [biyârde]]]	ب)

۶ الف بررسی آرایش واژگانی بهینه

مشخص گر	اجباری	هسته اجباری	(گذشته=زمان, x=e, y= îedde, biyârde ((x,y): درونداد	
	*		[e کت [îedde ف [biyârde]]]	الف)

۶ ب بررسی وضعیت محدودیت عناصر اجباری در گزینه بهینه آتنی

فاعل	خواش کامل	تجزیه	هسته انداز	(گذشته=زمان, x=e, y= îedde, biyârde ((x,y): درونداد	
*		*		îedde biyârde	الف)
			!	ve îedde biyârde	ب)

۶ ج بررسی ساختاری عدم ظهور فاعل در فراکنی های خبری متعدی

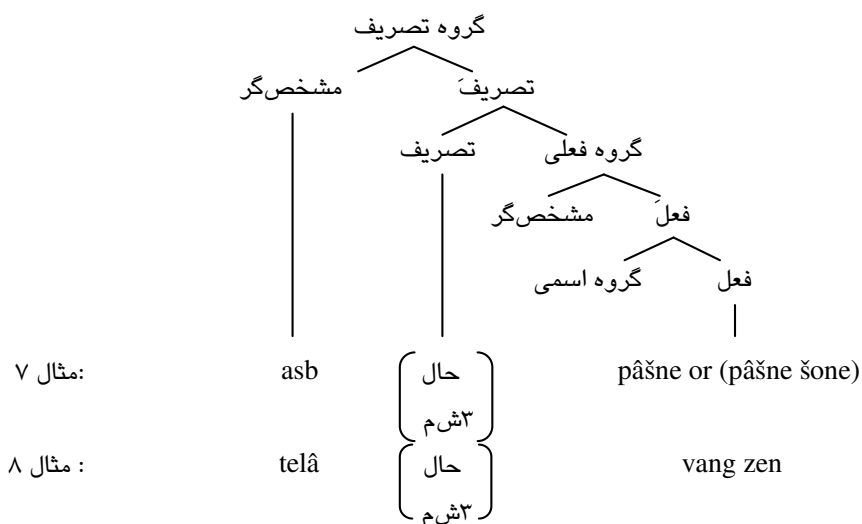
در آن جملات خبری که هستهٔ جمله (فعل)، یک فعل لازم باشد، فرافکنی گروه تصریف که در پژوهش حاضر به عنوان فرافکنی گسترده است؛ تنها شامل دو عنصر است؛ یکی هسته و دیگری موضوع بیرونی فعل (مشخص‌گر). در این‌گونه از افعال نیازی به حضور یک موضوع درونی (متمم) وجود ندارد و ظرفیت فعل با همان یک موضوع بیرونی (مشخص‌گر) تکمیل می‌شود.

مثال ۷

«اسب ميں دود»۔

طرحواره ۵

[فاعل] , [فعل]



۳ نمودار



برای درک بهتر موضوعات ارائه شده به تابلوی زیر توجه کنید:

تابلو ۷ آرایش جمله خبری / فعل لازم / فاعل اجباری

شخص	هسته	حال=زمان, x=asb, (pâšne šone (x): درونداد
الف) ۷	[pâšne šone] ۷	ت ۷
ب)	[pâšne šone [asb]] ۷	ت ۷

۷ الف بررسی آرایش واژگانی بهینه

در توضیح تابلوی ۷ الف، جملات دارای افعال لازم در گویش آتئی را می توان دارای آرایش فاعل / مشخص گر، فعل / هسته بدانیم؛ در این صورت فاعل / مشخص گر (در صورت حضور) در کناره چپ فرافکنی گروه تصریف قرار می گیرد و به نظر درست می رسد که فرض کنیم محدودیت چپ مشخص گر فرامرته ترین محدودیت / انطباق در آتئی باشد. دو محدودیت / انطباق دیگر در بررسی آرایش این نوع از فرافکنی ها، محدودیت های چپ متمم و چپ هسته هستند. در این گونه جملات مفعول / متمم حضور ندارد، لذا محدودیت چپ متمم در آنان بنابر نظر گریم شا (۲۰۰۱: ۸) به صورت تهی اقناع می شود. بر این اساس می توان ادعا نمود که در این گویش، محدودیت چپ هسته تنها با یک مانع برای رسیدن به کناره چپ فرافکنی مواجه است. پس گویش آتئی را می توان تنوعی راست هسته دانست و در این راستا گزینه ب باید از میان کاندیداهای بهینه حذف شود.

طرحواره ۶

چپ مشخص گر «چپ متمم» چپ هسته

در ادامه یادآوری می کنیم که مطابق با آنچه پیش تر توضیح داده شد، محدودیت / انطباق دارای این ویژگی مهم است که هیچ آرایشی نمی تواند همه محدودیت های / انطباق را در یک فرافکنی ساده که شامل یک

مشخص‌گر و یک‌هسته است، اقناع‌کند؛ بنابراین هر گزینه‌ای از محدودیت انطباق تخطی می‌کند. از این‌رو گزینه بهینه نیز خود همیشه از محدودیت‌های انطباق تخطی می‌کند (همان). در تابلوی ۷ ب فرافکنی‌های لازم از لحاظ چگونگی اقناع محدودیت‌های عناصر اجباری در نمونه گویشی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مشخص‌گر	هسته اجباری	حال = زمان, $x = \text{asb}$, $(\text{pășne șone } x)$: درونداد
		الف) (الف) [pășne șone] ی ف [asb] ی ت

۷ ب بررسی وضعیت محدودیت عناصر اجباری در گزینه بهینه آنتی

بر اساس توضیحات ارائه‌شده در بخش مربوط به جملات متعدی، از آنجا که در گویش آنتی در انواع جملات، فاعل/ مشخص‌گر (در صورت ضمیری بودن و یا عدم‌حضور در درونداد) می‌تواند در جمله محذوف باشد، در تمامی نمونه‌های افعال لازم این گویش نیز همچون نمونه‌های مربوط به افعال متعدی، محدودیت هسته اجباری مقدم بر مشخص‌گر اجباری است. در ضمن برای رعایت یکسستی در ارائه مطالب تابلوی مربوط به عناصر اجباری در این بخش تنها به نمایش گزینه بهینه می‌پردازد. با توجه به تابلوی ۷ ب درمی‌یابیم که همانند موارد دارای فاعل در افعال متعدی در اینجا نیز در گزینه بهینه، به دلیل حضور فعل در این دسته از فرافکنی‌ها، محدودیت هسته اجباری و با ظهور فاعل/ مشخص‌گر بارز در برون‌داد فرافکنی مورد بررسی، محدودیت مشخص‌گر اجباری اقناع می‌شود؛ لذا هیچ‌گونه تخطی از محدودیت عناصر اجباری را در این دسته از جملات نمی‌بینیم. تابلوی ۷ ج برای توجیه ساختاری ظهور فاعل در فرافکنی‌های موردنظر با استفاده از محدودیت‌های ساختاری فاعل، تجزیه، خوانش کامل و مبتدیان، ترسیم شده است.

مبتدا انداز	کاف رفته	ی	ی	حال = زمان, $x = \text{asb}$, $(\text{pășne șone } x)$: درونداد
		*	!	pășne șone
*				asb pășne șone

۷ ج توجیه ساختاری ظهور فاعل در جمله خبری/ فعل لازم/ فاعل اجباری



در تابلوی ۷ ج همانند آنچه در مورد افعال متعدی با فاعل اجباری توضیح داده شد، می‌بینیم که در جمله‌های دارای فاعل اجباری، محدودیت فاعل بر دیگر محدودیت‌ها اولویت دارد، لذا گزینه‌ای بهینه خواهد بود که محدودیت مذکور را اقتناع کند؛ یعنی گزینه‌ای که فاعل در آن ظهور دارد، گزینه بهینه خواهد بود (تذکر: این توضیحات در خصوص دیگر مثال و تابلوهای آورده شده در این قسمت صادق هستند).

مثال ۸:

vang zande telâ
آواز می‌خواند خروس

«خروس آواز می‌خواند».

تابلو ۸ آرایش جمله خبری/ فعل لازم/ فاعل اجباری

چپ هسته	چپ میانه	چپ انتهایی	(حال=زمان, x=telâ, x=vang zande): درونداد	
*			[vang zande] ی [telâ] یت	الف) یت
		!*	[vang zande [telâ]] ی	ب) یت

۸ الف بررسی آرایش واژگانی بهینه

مشخص‌گر اجباری	هسته اجباری	(حال=زمان, x=telâ, x=vang zande): درونداد	
		[vang zande] ی [telâ] یت	الف) یت

۸ ب بررسی وضعیت محدودیت عناصر اجباری در گزینه بهینه آتنی

مبتدا	مبتدا مکمل	فعل	فعل مکمل	حال = زمان, x=telâ, (vang zande (x): درونداد
		*	!	vang zande
*				telâ vang zande

۸ ج توجیه ساختاری ظهور فاعل در جمله خبری/ فعل لازم/ فاعل اجباری

۲-۲-۲ جمله خبری/ فعل لازم/ فاعل محذوف (فاعل تهی آوا)

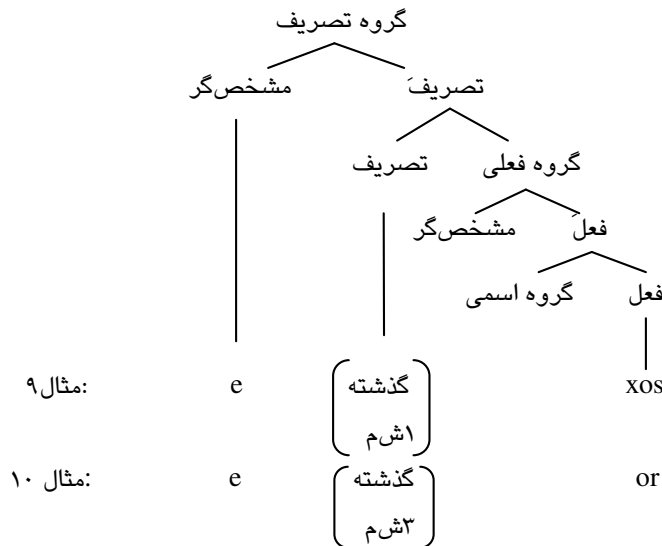
بنابر آنچه گریمشا در در خصوص فرافکنی دارای یک عنصر ارائه شد، در فرافکنی‌های دارای یک عنصر، تمامی محدودیت‌های/ انطباقی اقناع می‌شود، زیرا دو عنصر از عناصر قابل‌تصور در فرافکنی حضور ندارند و محدودیت‌های مربوط به آن‌ها به صورت تهی اقناع می‌شوند و سومین محدودیت/ انطباقی به این دلیل اقناع می‌شود که با عدم حضور دو عنصر دیگر در فرافکنی، عنصر حاضر در گروه به خودی خود در کناره چپ گروهی که آن را شامل می‌شود، قرار می‌گیرد. بنابر نظر گریمشا سه نوع فرافکنی یک عنصری را می‌توان متصور شد، فرافکنی دارای هسته تنها، مشخص‌گر تنها و متمم تنها (گریمشا، ۲۰۰۱: ۹). اگرچه این نوع فرافکنی‌ها از محدودیت/ انطباقی تخطی نمی‌کنند، اما حد/ قتل از یک محدودیت عنصر/ اجباری تخطی می‌کنند. افعال لازم دارای فاعل محذوف (فاعل تهی آوا) از جمله فرافکنی‌هایی هستند که در آن‌ها تنها عنصر هسته/ فعل وجود دارد و دو عنصر متمم و مشخص‌گر در آنان غایب هستند؛ لذا محدودیت/ انطباقی مربوط به صورت تهی اقناع شود. برای توضیحات بیشتر به نمونه‌های زیر توجه کنید:

مثال ۹:

baxotme

خوابیدم

«من خوابیدم».



نمودار ۴

تابلو ۹ جمله خبری/فعل لازم/فاعل محذوف (فاعل تهی آوا)

چپ هسته	چپ منتم	چپ مشخص	(گذشته=زمان, $x=e$): $\text{baxotme}(x)$: درونداد	
			$\text{[baxotme]} \text{ ف } e \text{ ت}$	الف (ف)

۹ الف بررسی آرایش واژگانی بهینه

با مقایسه تابلوی ۹ الف با تابلوی ۷ الف که در بخش قبلی برای جملات خبری لازم دارای فاعل اجباری ترسیم شده است، درمی‌یابیم که انواع دارای فاعل و انواع دارای ویژگی ضمیراندازی، گزینه‌ها و حتی رتبه‌بندی محدودیتی مشابهی برای محدودیت‌های/نطباق دارند. پس گزینه بهینه در اینجا همانند گزینه‌های دارای فاعل اجباری، گزینه‌ای خواهد بود که محدودیت چپ‌مشخص‌گر را اقعاع کند و به دلیل راست‌هسته بودن (هسته‌پایانی بودن) آتنی نهایت تخطی از محدودیت چپ‌هسته در آن صورت می‌پذیرد؛ اما از آنجا که عنصر متمم در این‌گونه فرافکنی‌ها حضور نداشته و همچنین به دلیل عدم‌ظهور فاعل بارز

در این فرافکنی‌ها، محدودیت‌های مربوط به آن‌ها به صورت تهی اقتناع شده و در نتیجه هیچ‌گونه تخطی از چپ‌هسته صورت نمی‌پذیرد، زیرا هیچ مانعی برای قرارگیری هسته در کنار چپ‌فرافکنی وجود ندارد. با این توضیحات در تابلوی ۹ الف، گزینه الف، گزینه‌ای دستوری است، زیرا همه شرایط موردنیاز برای بهینه/دستوری شدن را دارد و از آنجا که تنها یک عنصر در این فرافکنی قابل تصور است همان یک گزینه به‌عنوان کاندیدای رقابت مطرح می‌شود. بنابر توضیحات ارائه‌شده توسط گریمشا (۲۰۰۱: ۹) می‌توان ادعا کرد که فرافکنی‌های دارای فعل لازم و بدون فاعل بارز در گویش آتنی از دسته فرافکنی‌هایی هستند که فقط عنصر هسته را دربرداشته و از محدودیت مشخص‌گر/اجباری تخطی می‌کنند و با توجه به عدم‌حضور دو عنصر مشخص‌گر/فاعل بارز و متمم/مفعول در جمله، هیچ‌گونه تخطی از محدودیت چپ‌متمم صورت نمی‌پذیرد. با توجه به تابلوی ۹ الف و توضیحات گریمشا (همان) می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که به‌طور خلاصه تمامی فرافکنی‌های دارای یک عنصر، همه محدودیت‌های/انطباق را اقتناع کرده، اما از محدودیت هسته/اجباری و/یا مشخص‌گر/اجباری تخطی می‌کنند. پس می‌توان نتیجه گرفت که برای هر دستوری (تحت هر رتبه‌بندی، یعنی برای هر آرایش برون‌دادی)، هر فرافکنی دارای یک عنصر، حداقل مرتکب یک تخطی از محدودیت‌های عناصر اجباری می‌شود.

در تابلوی ۹ ب گزینه بهینه در تابلوی عناصر اجباری همچون موارد متناظر آن در جملات دارای فعل متعدی، دارای یک تخطی از محدودیت مشخص‌گر/اجباری است، اما از آنجا که در آتنی این محدودیت فرومرتب‌تر از هسته/اجباری است، تخطی از آن مهلک نیست. در مقایسه این تابلو با تابلوی ۷ ب درمی‌یابیم که در نمونه‌های بهینه دارای فاعل بارز و اجباری برخلاف نمونه‌های دارای فاعل محذوف (فاعل تهی آوا)، هیچ‌گونه تخطی از محدودیت مشخص‌گر/اجباری روی نداده است؛ لذا این دو گونه از جملات همچون موارد مشابه خود در جملات دارای فعل متعدی در میزان تخطی از محدودیت‌های عناصر اجباری با هم متفاوت هستند.

مشخص‌گر	هسته اجباری	(گذشته = زمان، $x=e$, $\text{baxotme}(x)$: درونداد)	
*		[baxotme] ی ف e ت	الف) ۹

۹ ب بررسی وضعیت محدودیت عناصر اجباری در گزینه بهینه آتنی



با توجه به تابلوی ۹ ج درمی‌یابیم که درنظام مورد مطالعه، مشابه با ایتالیایی (بر اساس کوهن، ۲۰۰۳: ۳۷)، در مواردی که فاعل/ مبتدا عنصری ضمیری باشد، عدم حضور آن، ساختاری دستوری‌تر را بنابر شَمّ زبانی گویشوران ایجاد می‌کند. به تابلوی زیر توجه کنید:

فاعل	فونش کامل	بُره	مبتدا انداز	(گذشته= زمان, $x=e$, $baxotme(x)$): درونداد	
*		*		baxotme	الف) ⚡
			!*	men baxotme	ب)

۹ ج بررسی ساختاری عدم ظهور فاعل در فرافکنی‌های خبری لازم

مثال ۱۰:

buerde

رفت

«او رفت».

تابلو ۱۰ آرایش جمله خبری/ فعل لازم/ فاعل محذوف (فاعل تهی آوا)

چپ هسته	چپ منته	چپ مشخص‌گر	(گذشته= زمان, $x=e$, $buerde(x)$): درونداد	
			[buerde] ⚡ e گت	الف) ⚡

۱۰ الف بررسی آرایش واژگانی بهینه

مشخص‌گر اجباری	هسته اجباری	(گذشته= زمان, $x=e$, $buerde(x)$): درونداد	
*		[buerde] ⚡ e گت	الف) ⚡

۱۰ ب بررسی وضعیت محدودیت عناصر اجباری در گزینه بهینه آتنی

فاعل	رَبِّهِ	مَبْدَأُ	مَبْدَأُ	(گذشته=زمان, $x = \emptyset$, buerde(x): درونداد)	
*		*		buerde	الف)
			!*	ve buerde	ب)

۱۰ ج بررسی ساختاری عدم‌ظهور فاعل در فرافکنی‌های خبری لازم

۳. نتیجه‌گیری

در طول تحقیق و با مقایسه انواع فرافکنی‌های خبری ملاحظه شد که با استفاده از مجموعه واحد محدودیت‌ها می‌توان این‌گونه ادعا کرد که گویش آتنی دارای دو رتبه‌بندی متفاوت در ارتباط با ظهور و عدم‌ظهور فاعل در برونداد است و این در تمامی فرافکنی‌های خبری با انواع افعال ممکن صادق است؛ این دو رتبه‌بندی عبارت‌اند از:

- در صورت ظهور فاعل اجباری در جمله: **فاعل** « تجزیه » **خوانش کامل** « مبتدأانداز؛

- در صورت داشتن فاعل تهی آوا (pro): **مبتدأانداز** « تجزیه » **خوانش کامل** « فاعل.

این‌گونه در نهایت مشاهده می‌شود که در تمامی انواع افعال خبری (متعدی و لازم) چه در فرافکنی‌های دارای فاعل اجباری و یا بدون آن، رتبه‌بندی محدودیت‌های انطباق به یک صورت بوده، یعنی در همه آن‌ها آرایش بی‌نشان بنابر شمّ زبانی گویشوران آتنی به صورت زیر خواهد بود: **چپ مشخص‌گر** « **چپ متمم** » **چپ هسته**.

در صورت عدم‌ظهور متمم و یا مشخص‌گر در فرافکنی‌ها، محدودیت مربوط به آن‌ها به صورت تهی اقرار می‌شود و همچنین در صورت عدم‌ظهور هریک از این عناصر ترتیب محدودیت‌ها یکسان بوده، اما از تعداد تخطی از محدودیت‌های *انطباق* نیز کاسته می‌شود، یعنی *فرافکنی‌های دارای تعداد عناصر کمتر، مرتکب تعداد تخطی کمتری از محدودیت انطباق* نیز می‌شوند. همچنین در حالی که انواع فرافکنی‌ها متفاوت بودند میزان تخطی از محدودیت‌های *انطباق* در فرافکنی‌های دارای تعداد عناصر مشابه، یکسان بوده است؛ یعنی در فرافکنی‌های متعدی با فاعل اجباری که شامل سه عنصر مشخص‌گر، هسته و متمم هستند، میزان تخطی از محدودیت‌های *انطباق* سه است و در فرافکنی‌های متعدی بدون فاعل که دارای



دو عنصر هسته و متمم هستند و همچنین فرافکنی لازم با فاعل اجباری و دارای دو عنصر مشخص‌گر و هسته، با وجود ظهور عناصر متفاوت در فرافکنی‌های متفاوت به دلیل حضور تعداد عناصر مشابه، یک تخطی از محدودیت انطباق صورت می‌گیرد و این نمایی دیگر از مفهوم «وحدت در عین تنوع» است.

در صورت ظهور فعل لازم با فاعل تهی‌آوا (pro) به دلیل ظهور تنها یک عنصر در فرافکنی مورد نظر، تنها یک تخطی از محدودیت انطباق صورت می‌گیرد، اما همچنان رتبه‌بندی محدودیت‌ها در آن‌ها مشابه سایر انواع فرافکنی‌های خبری است و تنها در میزان تخطی از این محدودیت‌ها با آن‌ها متفاوت است.

در خصوص محدودیت عناصر اجباری نیز باید گفت که رتبه‌بندی این محدودیت‌ها در تمامی فرافکنی‌های مورد بررسی یکسان است، یعنی در همه فرافکنی‌ها به دلیل قابلیت حذف مشخص‌گر / فاعل در گویش آتنی محدودیت هسته اجباری بر مشخص‌گراجباری اشراق دارد، پس هسته اجباری مشخص‌گراجباری است.

تنها تفاوت میان انواع فرافکنی‌های دارای فاعل اجباری و بدون آن در خصوص مجموعه محدودیت‌های بالا، در اقناع محدودیت مشخص‌گراجباری است، نه رتبه‌بندی آن‌ها؛ به این معنا که در تمامی فرافکنی‌های بدون فاعل از محدودیت مشخص‌گراجباری تخطی می‌شود، در حالی که در فرافکنی‌های دارای فاعل/مشخص‌گر این محدودیت اقناع می‌شود. قابل ذکر است که تخطی از محدودیت مشخص‌گراجباری موجب غیردستوری شدن جمله نمی‌شود، زیرا این محدودیت فرومرتب‌تر از محدودیت هسته اجباری است.

۴. پی‌نوشت‌ها

۱. سابقه تحقیقات صورت پذیرفته بر زبان مازندرانی، به اقتباس از شکری (۱۳۷۴: ۲)، به قرن ۱۸ میلادی باز می‌گردد و سیاحان و مستشرقانی همچون گملین (۱۷۷۵)، خودزکو (۱۸۸۲)، ملگونف (۱۸۶۸) و درن (Dorn قرن ۱۹)، از محققین غیرایرانی و پژوهشگران ایرانی همانند صادق‌کیا (۱۹۳۷)، شکری (۱۳۷۴) و شهیدی (۲۰۰۸) در این ارتباط قابل ذکر هستند.

۲. صورت اصلی این گویش تنها در تک‌خانوار ساکن آن منطقه حفظ شده است.

۳. از جمله افرادی که به مطالعه در خصوص آرایش‌واژه پرداخته‌اند، می‌توان گرینبرگ (۱۹۹۶)، چامسکی و لاسنیک (۱۹۹۳)، لایتفوت (۱۹۹۷)، و گریم‌شا (۱۹۹۷، ۲۰۰۱) را نام برد که هریک از آن‌ها در چارچوب‌های نظری مختلف به توصیف آرایش‌های زبانی مختلف پرداخته‌اند.
۴. وحدانیت در تنوع پیش‌تر در زبان‌های هندی/ اردو، پشتو و بلوچی مورد بررسی قرار گرفته شده است (میردهقان، ۱۳۸۷).
۵. گریم‌شا در تحلیل‌های خود محدودیت‌ها را به صورت شرط‌هایی بر نمودهای نحوی و ساختار درختی بر مبنای سنت حاکمیت و مرجع‌گزینی تدوین می‌کند (به ویژه ردها (trace) در نمایاندن جایگاه اصلی عناصری که در سطح روساختی به جایگاهی متفاوت حرکت کرده‌اند). مفاهیم هسته (Head)، فرافکن (Projection) و مشخص‌گر (Specifier) که وی در تحلیل‌های خود از آن استفاده می‌کند، اصطلاحاتی استاندارد از نظریه X- تیره، در اشاره به جایگاهی خاص از طرحواره X- تیره است (به نقل از میردهقان، ۱۳۸۷: ۲۱۰).
۶. پرسشنامه‌های مورد استفاده از سازمان میراث فرهنگی شهرستان ساری تهیه شده است و در مجموع شامل ۱۰۶ سؤال بسته است که به بررسی وضعیت منطقه گویشی، امکانات گویشی و درنهایت واژگان و جملات خبری اختصاص دارد و با توجه به نیاز، گزینه‌هایی به آن افزوده شده است.
۷. از نگارندگان مقاله، شیرین مهمانچیان ساروی، گویشور بومی این گویش است و مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ایشان است.
۸. با توجه به محدودیت ابعاد مقاله، در این مقاله از ذکر پیکره گویشی گردآوری‌شده خودداری شده است. برای مباحث گسترده‌تر و پیکره کامل گویش آنتی رجوع کنید به پایان‌نامه کارشناسی ارشد شیرین مهمانچیان (۱۳۸۹)، تحت عنوان «بررسی رده شناختی آرایش جمله و توالی واژگانی در گویش آنتی ساروی در چارچوب نظریه بهینگی».
۹. برخی زبان‌شناسان آن را گویش به شمار آورده‌اند.
۱۰. پیشینه مطالعات انجام‌شده بر زبان مازندرانی به قرن ۱۸ میلادی باز می‌گردد. نخستین بررسی پیرامون مازندرانی در سال ۱۷۷۵ توسط گملین (S. G. Gmelin)، محقق روسی انجام پذیرفته که در آن گزارشی از گویش‌های سواحل جنوبی دریای خزر ارائه شده



است. در سال ۱۸۴۲، خدزکو (Alexander Ghodzko) نمونه اشعار محبوب فارسی را منتشر کرد که در آن سه مقوله کلی گویشی تالشی، گیلکی و مازندرانی را تعریف کرد. بخشی از این کتاب به اشعار مربوط به سواحل دریای خزر اختصاص داشت. در اواخر قرن ۱۹ برنارد درن (Bernard Dorn) اشعار مازندرانی را در *کنز الاسرار مازندرانی* چاپ کرد. ساتوکویوشی (Satoko Yoshie) نیز در سال ۱۹۹۶ کتابی را با عنوان *گویش ساری* منتشر ساخت. محققان ایرانی زیادی نیز به مطالعه مازندرانی گویش‌های مختلف آن پرداخته‌اند که از آن جمله‌اند: صادق‌کیا (۱۳۱۶ و ۱۳۳۰) با ارائه گزارشی از واژگان مازندرانی؛ ستوده (۱۳۴۳؛ ۱۳۴۳؛ ۱۳۵۶؛ ۱۳۳۲) که اغلب با تمرکز بر واژگان بوده؛ سورتیچی (۱۳۷۵) *وندهای مازندرانی در گویش ساروی*؛ طبری (۱۳۸۱) *ساخت سببی در گویش (زبان) مازندرانی*؛ بشیرنژاد (۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ و ...) با بررسی جامعه‌شناختی؛ شکری (۱۳۷۴) با ارائه واژگان و دستور نگارش ساروی؛ سرخی (۱۳۷۴ و ۱۳۸۵) با بررسی گویش ساری؛ مازندرانی و شهیدی (۲۰۰۸) با مطالعه‌ای جامعه‌شناختی در بررسی تغییرات زبان مازندرانی با تکیه بر گویش ساروی.

۱۱. «نماد» نشانه اشرف/ فرامرتبگی یک محدودیت نسبت به محدودیت‌های بعد از آن است و برای نمونه خوانش چیدمان حاضر به این‌صورت خواهد بود: محدودیت *فاعل* فرامرتبه‌تر از تجزیه و آن فرامرتبه‌تر از *خوانش کامل* است، که خود فرامرتبه‌تر از *مبتدا/نداز* است.

۱۲. فعل متعدی یک مفعولی موضوع بررسی حاضر است.

۱۳. ۳ ش م به معنای سوم شخص مفرد است.

۱۴. ف= فعل.

۱۵. گ ف= گروه فعلی.

۱۶. گ ت= گروه تصریف.

۱۷. نشانه e علامتی برای نشان دادن جایگاه خالی یک عنصر در فرافکنی است و بنابر نظر گریم‌شا (۲۰۰۱) انتخاب شده است.

۴. منابع

- شکری، گیتی. (۱۳۷۴). *گویش ساری (مازندرانی)*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی.

- مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مهمانچیان‌ساروی، شیرین. (۱۳۸۹). «بررسی رده‌شناختی آرایش جمله و توالی واژگانی در گویش آتنی ساروی در چارچوب نظریه بهینگی». *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*. دانشگاه شهید بهشتی.
- میردهقان، مهین‌ناز (۱۳۸۷). *حالت‌نمایی افتراقی در زبان‌های هندی/ اردو، پشتو و بلوچی در چارچوب بهینگی واژنقشی*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- Chomsky, Noam. (1981). *Lectures on Government and Binding*. Dordrecht: Foris.
- Greenberg, J.h.(ed.). (1996). *Language Universals*. The Houge, Mouton & CO..
- Grimshaw, Jane (1997). "Projection, heads, and Optimality", in *Linguistic Inquiry*. Vol.28, No.3, pp:373-422.
- ----- (2001). "Clause Structure". Plenary talk at *the 2001 LSA annual meeting*, Washington, D.C., January 5, 2001.
- ----- (2002). " Economy of Structure in OT. In papers" in *Optimality Theory II*, University of Massachusetts occational papers.
- Kager, Rene. (1999). *Optimality Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kuhn, Jonas. (2003). *Optimality- Theoretic Syntax- A Declerative Approach*. Stanford, CA, CSLI Publication.
- Legendre, Geraldin, and Jane Grimshaw and Sten Vinker (ed.) (2001). *Optimality Theoretiv Syntax*. Cambridge, MA, The MIT Press.
- Shahidi, Minoo. (2008). *A Sociolinguistic Study of Language Shift in Mazandarani*. UPPSALA: UPPSALA University Press.